

2



آفاق محبت

مقدمہ: حاج شیخ عبدالعزیز ابن باز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آفاق محبت: به اهل بیت عصمت و طهارت

نویسنده:

عبدالحسین امینی (علامه امینی)

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	آفاق محبت: به اهل بیت عصمت و طهارت
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	مقدمه
۱۲	انسان و حبّ و بغض
۱۳	اولویت خدا در محبت و ورزی
۱۴	دوستی خدا نامحدود است
۱۵	ثمربخشی محبت الاهی
۱۵	دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ، شاخه ای از محبت خدا
۱۷	سایر انگیزه های محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام
۱۹	آثار محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۹	اشاره
۱۹	۱_ ایمان حقیقی و ماندگار
۲۰	۲_ احساس شیرین ایمان
۲۰	محبت به اهل بیت علیهم السلام ، از لوازم محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله است
۳۲	انگیزه هایی برای محبت و ورزی به اهل بیت علیهم السلام
۳۲	اشاره
۳۲	انتساب به رسول رحمت
۳۴	حبّ خدا و رسول
۳۴	مشمول دعای رسول شدن
۳۴	پاداش رسالت
۳۴	سوال قیامت
۳۶	عدل قرآن

۳۷	میزان ایمان
۳۸	بعثت انبیاء بر ولایت وصی خاتم الانبیاء
۴۰	سرلوحه عمل مؤمن
۴۰	کشتی نجات
۴۰	استجابت دعا
۴۲	همسنگی با رسول خدا
۴۴	معیار قبولی طاعات
۴۴	ثنای الاهی
۴۴	قداست و شرافت
۴۶	امان اهل زمین و آسمان
۴۶	نقش حجّت ها و خلفای الاهی در هستی
۵۳	نتیجه سخن
۵۸	خود را بیازماییم
۶۱	درباره مرکز

آفاق محبت: به اهل بیت عصمت و طهارت

مشخصات کتاب

سرشناسه: امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۴۹.

عنوان و نام پدیدآور: آفاق محبت: به اهل بیت عصمت و طهارت / عبدالحسین امینی؛ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی؛
بازنویسی و ویراستاری حبیب فرناق.

مشخصات نشر: تهران: نبا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۵۲ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س م.

شابک: ۲۶۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۸۳۲۳-۸۲-۵

وضعیت فهرست نویسی: فاپا(چاپ دوم)

یادداشت: کتاب حاضر باز نویسی بخشی از کتاب راه و روش ما راه و روش پیامبر (ص) ما است می باشد. و ص.ع عربی در
دسترس نمی باشد.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: راه و روش ما راه و روش پیامبر (ص) ما است.

موضوع: دوستی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Friendship -- Religious aspects -- Islam

موضوع: دوستی -- احادیث

موضوع: Friendship -- Hadiths

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: Islamic ethics

شناسه افزوده: موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹.

شناسه افزوده : فرناق، حبيب، ويراستار

رده بندي كنگره : BP254/2/الف776/1395

رده بندي ديويي : 297/652

شماره كتابشناسي ملي : 2101293

ص: 1

اشاره

آيت ا. ح. اج شي - خ عب - دالحسي - ن امين - ي

ترجمه :

حاج سيد محمد باقر موسوي همداني

بازنويسي و ويراستاري :

حبيب فرناق

آیت ا. حاج شیخ عبدالحسین امینی / ترجمہ : حاج سید محمد باقر موسوی ہمدانی / بازنویسی و ویراستاری : حبیب فرناق با
ہمکاری عبدالحسن طالعی چاپ ولیتوگرافی : کاری گرافیک / چاپ اول: ۱۳۸۹ / شم_ارگان : ۵۰۰۰ نسخہ قیمت : ۷۵۰۰
ریال / کد کتاب : ۱۳۶ / ۲۰۱

ناشر: انتشارات نبأ / تہران، خیابان شریعتی، روب روی ملک، کچہ

شبستری، خیابان ادیبی شماره ۲۶ تلفکس : ۷۷۵۰۶۶۰۲ _ ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۵ _ ۸۲ _ ۸۳۲۳ _ ۹۶۴ _ ۵ ۹۷۸ _ ۸۲ - ۸۳۲۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN:

ص: ۲

خداوند مهربان از سر لطف تاریخ بشر را با ارسال رسل و حجت های الهی پیوند زد تا همواره آنان از شرک و گمراهی در امان باشند. این الطاف خداوندی در بعثت رسول خاتم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله شکوفا و با معرفی شایستگان امامت و ولایت و خلافت در غدیر خم تکمیل و تمام شد. اما وسوسه های نفسانی و شیطانی، زیاده خواهی و کینه دشمنان مانع آن شد تا هدایت الهی در جایگاه شایسته آن در جامعه استقرار یابد. هرچند که خداوند بر قلب نازنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین نازل کرد که «مؤمنان بر ریسمان الهی چنگ بزنند و از مسیر حق متفرق نشوند» اما آن وسوسه و کینه و حسد ها مانع چنین امری شد و تفرقه جای خود را به اتحاد داد. به طور طبیعی برای شکل گیری تفرقه و جدایی در صفوف مسلمین، وجود تفاوت و هرکس خود را بر حق دانستن یک ضرورت است. نگاه های افراطی به ماجرای اختلافات و غرور خود بر تربینی و استفاده از ابزار قدرت موجب شده تا وصله های ناچسبی همچون وهابیت، القاعده، طالبان و... بر چهره زیبای دین بنشینند. در این میان بزرگانی چون مرحوم علامه ی مجاهد شیخ عبدالحسین امینی مسیر آزاد اندیشی، گفت و گوی علمی و کشف حقیقت و بازگشت به خویشتن دینی (یعنی قرآن

و روایت و سنت و سیره) را پیمودند و به نورافشانی خط هدایت کمک شایانی کردند.

ایشان در کتاب حاضر با استناد به آیات قرآن و روایات و سیره نبوی یکی از شبهه های متداول وهابیت نسبت به شیعه را بررسی می کند و نشان می دهد که ابراز محبت شیعیان به پیامبر و حضرات معصومین از خاندان رسالت، نه تنها مبالغه، غلو و شرک نیست بلکه شیعه نتوانسته است در این راه، حق مطلب را ادا نماید. حوزه این بحث درون دینی و به مقصد کشف مسیر هدایت است. از آن جا که استنادات پژوهشی نویسنده به مدارک و مآخذ دست اول مخالفین می باشد، از درجه اهمّیت بسیار بالایی برخوردار است.

امید می رود که انتشار چنین مباحثی که در بستر پژوهش علمی شکل گرفته، به تبیین هرچه بیشتر حقایق قرآن و دین و نشر معارف الاهی و هدایت به سمت آن کمک نماید.

این موضوع قبل تر در سال ۱۳۹۴ هجری قمری در کتاب «راه و روش ما، راه و روش پیامبر ماست.» آمده است که در حال حاضر با بازنویسی و ویرایش جدید به صورت کتابی مستقل ارائه می گردد تا عموم اقشار بتوانند از آن بهره مند شوند.

از خداوند توفیق نشر معارف قرآنی، سیره نبوی و خدمتگزاری آستان آخرین ذخیره الاهی و جانشین نبوی، حضرت حجت بن الحسن العسکری را خواهانیم.

محمدحسین شهری

۵ / مرداد / ۱۳۸۹

مطابق با نیمه شعبان ۱۴۳۱

ص: ۴

انسان و حبّ و بغض

حبّ و بغض، دو خصالتی است که در دل‌ها آمدوشد دارند. محبّت از اقبال نفس و تمایل آن، و بغض داشتن از روگردانی نفس و بی‌میلی آن حکایت می‌کند. هر مسأله‌ای، چه مادی و چه معنوی که تصوّر و تصدیق به آن تعلق می‌گیرد، هنگامی که به دادگاهی که در نفس آدمی است عرضه شود انسان خواه ناخواه یکی از دو کار را می‌کند: یا اینکه بعد از تمام شدن تصوّر و تصدیق، آن مطلب در قلب او منعکس می‌شود و نسبتی بین قلب و آن شیء برقرار می‌گردد و یا در قلب، منعکس نشده و قلب از آن دوری می‌کند. این توضیح ساده، حقیقت حبّ و بغض است.

حبّ و بغض، همان‌طور که در اصل پدید آمدن، پیرو اسباب و موجباتی است که منشأ تحقق آنها است، در شدت و ضعف نیز تابع آن علل می‌باشد و به موازات آن علّت‌ها و عوامل محدود می‌گردد؛ یعنی اگر حبّ و بغض را به زیادی و کمی و ضعف و شدت توصیف می‌کنند به اعتبار شدت و ضعف خصوصیات علل و عوامل آن

است. پس در حقیقت، حبّ و بغض، به میزان علل و اسباب خود، تقدیر و اندازه گیری می شود.

اولویت خدا در محبت ورزی

تنها موجودی که اصالتاً، قبل از هر چیز شایسته محبت است، همانا خداوند تبارک و تعالی است، زیرا هر صفت، هر ظهور، هر جلوه، هر نشانه روشن عظمت و هر دلیل از دلایل رحمت و احسانش به تنهایی قوی ترین دلیل برای محبتی بی پایان است. آری اسامی خداوند که هزار اسم یا بیشتر است، هر کدام از وجود صفتی در خداوند حکایت دارد و هر یک موجب محبت نسبت به خداوند می گردند، به طوری که هر کدام از آنها کافی است تا آدمی را به بندگی خدا واداشته و دلش را در کمند محبت او در اندازد.

به همین جهت خدای تعالی، اولویت در دوستی دارد. اگر در غیر او هم از اسباب محبت چیزی زیاد شود، پرتوی از عنایت و لطف او است؛ زیرا هر نعمتی از جانب خداوند است. (۱)

بر این اساس اگر کسی در دوستی، غیر او را بر او مقدم دارد، از راه عقل منحرف گشته، زیرا معلول را بر علت ترجیح داده است. در این صورت خدا حق دارد چنین کسی را مؤاخذه کند. لذا می فرماید: «بگو اگر پدران و فرزندان و همسر و خویشانتان و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کسادیش می هراسید و خانه هایی که به آنها

ص: ۶

خوش دل هستید نزد شما از خدا و پیغمبر او و جهاد در راه وی محبوب تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بیاورد، که خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی کند.» (۱)

دوستی خدا نامحدود است

صفات ذات احدیت نامحدود است و به حدّ معینی موقوف و موصوف نیست، لذا محبتی هم که تابع و برآمده از این صفات است، غیر محدود خواهد بود. این دوستی، در هر درجه ای که باشد، غلوّ و افراط، در آن راه ندارد زیرا غلوّ، به معنای تجاوز از حدّ و خروج از قاعده است که حدود و اندازه های معینی دارد. اما چیزی که حدّ و اندازه ندارد، مبالغه در آن، معنا نخواهد داشت.

اگر می بینیم که مردم، هر یک در یک حدّی خدا را دوست دارند، برای اختلافی است که در علم به انگیزه های محبت دارند. خود محبت که زاییده و ناشی از انگیزه ها و موجبات محبت است، فرع بر علم به آن انگیزه هاست، و حدّ و اندازه اش هم مطابق با حدّ و اندازه آن علم است. اما معرفت به خدا و علم به صفات او، در یک مرتبه نیستند. هر فردی از این کمال، بهره ای مخصوص خود دارد و دیگران بهره هایی غیر بهره او دارند.

ص: ۷

۱- «قل إن كان آباءكم و أبناءكم و اخوانكم و ازواجكم و عشیرتكم و اموال أقترتموها و تجاره تخشون كسادها و مساكن ترضونها احبّ اليكم من اللّٰه و رسوله و جهاد فی سبيله فتربصوا حتی یاتی اللّٰه بامرہ واللّٰه لا یهدی القوم الفاسقین.» سوره توبه آیه ۲۴.

محبت به خدای جلّ و علا، وقتی برای انسان ثمر بخش است که به دوستی از دو طرف منجر گردد. دوستی طرفینی هم صورت نمی گیرد مگر بعد از آنکه خداوند، در نزد عبدش انگیزه دوستی را سراغ داشته باشد. آیه شریفه زیر به همین معنا اشاره دارد :

«بگو اگر خدا را دوست دارید، مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد.» (۱)

دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ، شاخه ای از محبت خدا

از بهترین افراد صالح و بندگان مخلص که توانست محبت خود را به خداوند به این طریق نتیجه بخش کند، مولا امیرالمؤمنین علیه السلام است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث رایت (۲) علی علیه السلام را به داشتن چنین محبتی

معرفی نموده و فرموده است: «فردا پرچم را به مردی خواهم داد که خدا و رسول را دوست دارد، و خدا و رسول هم او را دوست دارند.» (۳)

وقتی دوستی طرفینی، بین خدا و بنده اش به کمال رسید، بنده برای هر عنایت و کرامتی از طرف خدا شایستگی پیدا می کند و شرف تقرب و نزدیکی به خدا برایش حاصل می شود و مشمول حدیث

ص: ۸

۱- «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله.» سوره آل عمران آیه ۳۱.

۲- این حدیث که حدیثی صحیح و برخوردار از تواتر و کثرت نقل و معتبر میان شیعه و سنی است، با اسناد و الفاظ مختلفش، به ضمیمه شرح حال آن، در کتاب جامع «الغدیر» _ آنجا که مسند جابر بن عبدالله را آورده ایم _ مذکور است.

۳- «لاعطین الرايه غداً رجلاً یحب الله و رسوله و یحبه الله و رسوله.»

«همواره بنده ام به وسیله نوافل (اعمال مستحبی) به سویم تقرّب می جوید، تا حدّی که من دوستش بدارم، و وقتی او را دوست بدارم، برای او گوشی خواهم شد که با آن بشنود، و چشمی خواهم شد که با آن ببیند، و دستی خواهم شد که با اقتدار خاصی موجودات دیگر را تحت نفوذ قرار دهد، و پایی خواهم شد که با آن برود، و اگر از من درخواستی کند به او بدهم...»

(۱)

فردی که در عالی ترین درجه از محبت دوسویه قرار گرفته رمز پیوند خدا و مؤمنین و وسیله بندگان به سوی او است. به پیروی از وی، مردم به سعادت دو سرا می رسند. به وسیله او، مؤمنین در دنیا و آخرت رستگار می شوند. به خاطر وی، برکات آینده و حال، نازل می گردد. چنین فردی، در مرتبه دوم و بالعرض، مقام اولویت در محبت ورزی را دارا می باشد؛ یعنی این فرد با امتیازات مخصوص به خود، پس از ذات احدیت و به ملاک شدت ارتباط بین خدا و او، قبل از همه چیز و بیش از همه باید مورد محبت واقع شود. زیرا او، از همه موجودات و هر آنچه که دست قدرت در عالم وجود، تصویر نموده، /

در ایجاد و جلب محبت دوسویه خداوند (که انگیزه جلب محبت دیگران است) گوی سبقت را ربوده است.

حدیث صحیح زیر که از رسول خدا نقل شده به این معنی اشاره

ص: ۹

۱- صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۹۰، باب تواضع از کتاب رفاق. این حدیث از سوی برخی دیگر از بزرگان حدیث روایت شده است.

می کند :

«خدا را به خاطر روزی دادنش دوست دارید، و مرا به دوستی خدا دوست بدارید و اهل بیت مرا نیز برای من دوست داشته باشید.» (۱)

به این استدلال، قاعده «اعتبار نسبت و اضافات» می گویند که از آن برای بیان «انگیزه های دوست داشتن رسول خدا صلی الله علیه و آله» بهره گرفتیم.

سایر انگیزه های محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

برای اظهار محبت به آن بزرگواران علاوه بر استدلال یاد شده، دلایل و جهات متعدّد دیگری نیز وجود دارد که از حدّ و حصر بیرون است، آری او از نظر اتصال و رابطه محکمی که با خدا دارد، از نظر انتسابی که با سرپرست و مولای این عالم دارد، از نظر مناقب و فضایی که خدای تعالی برایش قرار داده، از نظر شخصیت بزرگ و بی نظیری که دارد، از نظر محاسن پسندیده ای که قلب و ضمیرش حامل آن است و از نظر ملکات و پاکی نفس، دوست داشتنی است. اگر بخواهیم هر یک از نکته های یاد شده را بشکافیم، فروع و شاخه های بسیار زیادی از آن به دست می آید، حال آن که هر یک از آن ها کافی است که بشر را _ بعد از محبت و عشق به خدای تعالی، و /

قبل از هر چیز دیگر _ عاشق و دلباخته او کند.

ص: ۱۰

۱- «أحبوا الله لما يغذوكم و أحبوني بحبّ الله و أحبوا أهل بيتي لحيّ» مراجعه شود به: «صحیح ترمذی: ۱۳ ۲۰۱» و جزء اول و سوم از «معجم کبیر طبرانی» و «مستدرک حاکم، ۳: ۱۴۹» و «تاریخ بغداد، ج: ۴: ۱۶۰» و مصادر دیگری که به «سی عدد» بالغ است و ما آنها را در «الغدیر» _ آن جا که در احادیث «ابن عباس» بحث می کنیم _ زیر رقم ۲۶ برشمرده ایم.

بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله از دریچه ی فضایل طینت و عنصر دودمانش، از منظر فضایی که در خلق، منش، تولد و نشو و نمایش دارد، و از نگاه به مکارم اخلاق و نفسیات کریمه، و کرامات و مقامات و صفات پسندیده بی شمارش، که همه اختصاص به او دارد قابل محبت و رزی است. ضمن اینکه خداوند او را در قرآن «اولی به نفس و صاحب اختیار» جان های مردم دانسته و ولایت عامه کبرایش را قرین ولایت کبرای حق تعالی برشمرده که همین امر کافی است که بشر، او را در دوست داشتن، بر جان خود، و متعلقات خود _ از زن و فرزند و پدر و فامیل و دوست و برادر و خویشانی که پناهش می دهند _ مقدم بدارد و خلاصه او را از همه مردم بیشتر دوست بدارد.

البته مردم در دوستی آن حضرت یکسان نیستند؛ زیرا درجه معرفتشان نسبت به او مختلف است؛ همچنانکه معرفت و دوستی آنها نسبت به خدای تعالی مختلف است.

«قرطبی» عالم اهل تسنن می گوید: «هر کسی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ، ایمان صحیح آورده باشد، از این محبت بی بهره نیست. چیزی که هست، مردم در دوست داشتن آن حضرت متفاوتند. بعضی ها از این فضیلت بهره ای بسیار به دست آورده اند، و برخی کمترین بهره را کسب نموده اند. اگر مردم شهوت پرست، بیشتر اوقات در گناهان غوطه ور و از پیامبر صلی الله علیه و آله و ابراز ارادت به او غافل هستند، اما در مقابل عدّه زیادی از مردم وقتی اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله را می شنوند، آرزوی دیدنش را دارند؛ به حدّی که نسبت به دیدار زن و فرزند، و مال و

اولادشان، آن قدر اشتیاق از خود نشان نمی دهند؛ تا آن جا که حتی جان خود را در محبت آن حضرت به خطر می اندازند. کسی که به وجدان خود مراجعه کند، بدون شک، این مطلب را درک خواهد کرد. از این قبیل اشخاص، کسانی دیده شده اند که، زیارت قبر، و مواضع آثار و نشانه های آن حضرت را به همه آنچه که گفتیم مقدم می دارند. این به خاطر آن محبتی است که نسبت به آن جناب، در دلهاشان استقرار یافته است. البته گاهی هم محبت ها خیلی کم دوام است، و با چند غفلت از بین می رود، و باید در راه استقرار محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله ، از خداوند کمک طلبید.»^(۱)

آثار محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

برای درک آثار و نتایج محبت به وجود مطهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، می توان به روایات معتبر وارد شده از سوی آن حضرت رجوع کرد. در این صورت این آثار و برکات رامی توان برشمرد:

۱- ایمان حقیقی و ماندگار

روایت صحیحی از طریق «انس بن مالک» از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده، که حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن خدائی که جانم به دست او است، هیچیک از شما ایمان ندارد، مگر وقتی که من در نظر وی، از پدرش و فرزندش، و از همه مردم، محبوب تر باشم»^(۲)

ص: ۱۲

۱- فتح الباری، تألیف «ابن حجر»: ۱: ۵۱ _ ۵۰.

۲- (صحیح بخاری: ۹: ۱) و (صحیح مسلم: ۱: ۴۹) و (مسند احمد: ۳: ۱۷۷، ۲۷۵، ۲۰۷، ج: ۴: ۱۱) «فوالذی نفسی بیده لا یؤمن أحدکم حتی أكون أحبّ إلیه من والده وولده والناس اجمعین».

همچنین روایت صحیحی از طریق «ابوهریره» از آن حضرت نقل شده که فرمود:

«سوگند، به آن خدائی که جانم در دست او است، هیچیک از شما ایمان ندارد، مگر وقتی که من در نظر وی، از پدر و فرزند، محبوب تر باشم.»^(۱)

۲_ احساس شیرین ایمان

گاه ما قدردان و آگاه به نعمت ایمان نیستیم چرا که شیرینی آن را درک نمی کنیم و نمی چشیم.

در روایتی که از آن حضرت نقل شده، بر سه رمز یافتن شیرینی ایمان اشاره رفته که بخشی از آن به محبت بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله تأکید دارد. در روایت می خوانیم: هر کس دارای سه ویژگی باشد، شیرینی ایمان را احساس می کند. آن ویژگی ها عبارت است از این که:

خدا و رسول، در نظرش، محبوب تر از سایر موجودات باشند.^(۲)

محبت به اهل بیت علیهم السلام، از لوازم محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله است

این موضوع از صراحت بیان خدا و رسول صلی الله علیه و آله به دست می آید و

ص: ۱۳

۱- صحیح بخاری: ۹۱ «فوالذی نفسی بیده لا یؤمن أحدکم حتی أکون أحبّ إلیه من والدهو ولده.»

۲- صحیح بخاری: ۱۰۱، ۱۱، ج: ۸۳۷، ج: ۵۶۸ و صحیح مسلم: ۴۸۱ صحیحترمذی: ۱۰۱۰ و مسند احمد: ۱۷۲۳ و ۱۷۴ و ۲۸۸. «ثلاث من کفّ فیه وجد حلاوه الايمان؛ أن یكون الله ورسوله أحبّ إلیه مما سواهما..»

عالمان بزرگ دین بر آن تأکید داشته اند:

«نصیبی» در «فوائد» از طریق ابولیلی انصاری، روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هیچ بنده ای به خدا ایمان ندارد، مگر وقتی که من در نظر وی از جانش محبوب تر باشم و عترتم (۱) از عترتش و منسوبینم از

منسوبینش محبوب تر باشند.» (۲)

«فخر رازی» در تفسیرش می گوید:

«به یقین دعا کردن برای آل محمد منصب بزرگی است، و به همین جهت این دعا، در نماز، در خاتمه تشهد قرار گرفته است، و نماز گزار می گوید: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و ارحم محمداً و آله.» و این قسم تعظیم درباره کسی جز آل محمد دیده نشده است؛ همه اینها بر این دلالت دارد که محبت داشتن به آل محمد واجب است.»

او از کلام و مباحث خود این گونه نتیجه می گیرد که:

«اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله در پنج چیز با آن جناب مساوی شده اند:

۱_ صلوات بر او و بر ایشان، در تشهد نماز

۲_ سلام بر ایشان.

۳_ طهارت (مستفاد از آیه شریفه تطهیر).

ص: ۱۴

۱- عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله همان ائمه معصومین علیهم السلام اند. (مترجم)

۲- این حدیث را نیز «نصیبی» در جزء دوم از احادیث (کتاب) خود، و «حافظیهقی» در کتاب «شعب الایمان» و «ابوالشیخ» در کتاب «ثواب» و «دیلمی» در «مسند» و بزرگان دیگر از محدثین در تألیفات خود روایت کرده اند. «لا یؤمن عبد لله حتی اکون أحب الیهمن نفسه، و تکون عترتی أحب الیه من عترته و یکون اهلی أحب الیه من اهله.»

۴_ حرمت صدقه دادن به ایشان.

۵_ لزوم حبّ ایشان» (۱)

نظیر کلام فخر رازی، از عدّه بسیاری از رجال مذاهب چهارگانه، و از بزرگان فقه و تفسیر و حدیث نقل شده که ما بسیاری از آن ها را در جلد‌های مختلف کتاب «الغدیر» به تفصیل و با مدارک آورده ایم.

نتیجه این بحث و مدارک متعدّد نشان می دهد که به حکم قرآن و حدیث و عقل و منطق و اعتبار، محبّت اهل بیت طاهرین، در ردیف محبّت رسول خدا صلی الله علیه و آله و در رتبه بعدی آن است. محبّت و ولای ایشان، از محبّت و ولای رسول خدا صلی الله علیه و آله جدا نیست، همان طور که محبّت و ولای رسول خدا صلی الله علیه و آله، از محبّت و ولای پروردگار، قابل انفکاک نمی باشد. روایات در این معنی، بسیار زیاد، بلکه در حدّ تواتر است.

اینک چند نمونه از این گونه احادیث نبوی، از نظر می گذرد:

۱_ هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.

«من کنت مولاه، فعلیّ مولاه.»

(نقل به صدها طریق)

۲_ علی از من و من از علی ام، و او بعد از من، ولیّ هر مؤمنی است.

«علیّ منّی و أنا منه، و هو ولیّ کلّ مؤمن بعدی.»

(از عمران بن حسین)

۳_ هر کس که خدا و من، مولای او هستیم، این علی مولای او است.

«من کان الله و أنا مولاه فهذا علیّ مولاه.»

۴_ هر که من مولای او هستم، علی، ولیّ او است.

«من کنت مولاه فعلیّ ولیه.»

(از سعد بن ابی وقاص)

۵_ هر که مرا، و این دو _ حسن و حسین علیهما السلام _ و پدر و مادر این دو را، دوست بدارد، در روز قیامت، در درجه من و با من خواهد بود.

«من أحبّ هذين و أباهما و أمهما كان معي في درجتي يوم القيامة.» (از علی علیه السلام ، و ابوهریره)

۶_ شفاعتم مخصوص امت من است، و امت من آن کسانی هستند که اهل بیت مرا دوست دارند، و ایشان شیعیان من اند.

«شفاعتی لامتی من أحبّ أهل بیتی و هم شیعتی.»

(از علی علیه السلام)

۷_ اهل بیت من و کسانی از امت من که آنها را دوست دارند، با هم وارد حوض می شوند.

«یرد الحوض أهل بیتی و من أحبهم من امتی کھاتین.»

ص: ۱۵

۱- تفسیر فخر رازی، ج ۷، صفحه ۳۹۱ به بعد.

(از علی علیه السلام)

۸_ فرزندان خود را بر سه چیز پرورش دهید: محبت پیغمبر صلی الله علیه و آله ، محبت اهل بیت پیغمبر و قرائت قرآن.

«أدبوا اولادکم علی ثلاث: حبّ نبيکم، و حبّ اهل بيتی، و علی قرائه القرآن.»

(از علی علیه السلام)

۹_ هر که، این (حسین علیه السلام) را دوست بدارد، مرا دوست داشته است.

«من أحبّ هذا، فقد أحبني _ یعنی الحسين.»

(از علی علیه السلام)

۱۰_ من و علی و فاطمه و حسن و حسین، با هر کس که ما را دوست بدارد، گرد هم، خواهیم بود.

«أنا و علی و فاطمه و الحسن و الحسين، مجتمعون و من أحبنا.»

(از علی علیه السلام)

۱۱_ بار الها! من او را دوست دارم؛ تو نیز او را و محبتانش را دوست بدار. (این کلام را، در حق حسن علیه السلام فرمود)

«اللهم! إني أحبّه، و أحبّ من يحبه _ قاله للحسن علیه السلام.»

(از ابوهریره)

۱۲_ هر کس آن دو را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هر که آن دو را دشمن دارد، مرا دشمن داشته است. (این را در حق حسنین علیهما السلام فرمود).

«من أحبهما فقد أحبني، و من أبغضهما فقد أبغضني یعنی الحسين.»

(از ابوهریره)

۱۳_ بار الها! من، این دو (حسین علیهما السلام) را دوست دارم، تو نیز ایشان و دوستدارانشان را دوست بدار.

«اللهم! إني أحبهما فأحبهما، و أحبّ من يحبهما _ یعنی الحسين.»

(از ابوهریره)

۱۴_ هر که مرا دوست دارد، باید این دو را دوست دارد. (یعنی حسنین علیهما السلام را)

«من أَحَبَّنِي، فليحبَّ هذين _ يعني الحسين.»

(از ابوهریره)

۱۵_ خدای تعالی مولای من است، و نسبت به من، اولی به تصرف از من است، و مرا در قبال او، اختیاری نیست. و من نیز، مولای مؤمنینم، و نسبت به آنان، اولی به تصرف از خودشان هستم، و ایشان را در قبال من، هیچ اختیاری نیست. و هر کس که من مولای او بوده و نسبت به او، اولی به تصرف از اویم و در قبال من وی را اختیاری نیست، علی علیه السلام نیز مولای او، و نسبت به او، اولی به تصرف از خود اوست، و وی را در قبال علی، اختیاری نیست.

«الله مولای، اولی بی من نفسی، لامرلی معه. و أنا مولی المؤمنین، اولی بهم من انفسهم، لا امر لهم معی. و من کنت مولاه اولی به من نفسه لا امر له معی، فعلی مولاه، اولی به من نفسه، لا امر له معه.»

(از چند طریق)

۱۶_ هر که علی را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هر که مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته باشد.

ص: ۱۶

«من أحب علياً فقد أحبني، و من أحبني فقد أحب الله.»

(از ام سلمه)

۱۷_ ما اهل بیت را، جز مؤمن پرهیزگار، دوست نمی دارد.

«لا یحبنا اهل البیت الا مؤمن تقی.»

۱۸_ اهل بیت من در بین شما نظیر کشتی نوح هستند. هر کس سوار بر کشتی شود نجات می یابد، و هر کس از آن تخلف کند، غرق می شود. همانا اهل بیت من، در میان شما، به منزله «باب حطه» بنی اسرائیل است، هر کس داخل آن باب شد، آمرزیده گشت.

«إنّ مثل اهل بیّتی فیکم، کمثل سفینه نوح من رکبها نجا، و من تخلف عنها غرق. و إنّما مثل اهل بیّتی فیکم مثل باب حطه فی بنی اسرائیل من دخله غفر له.»

(از ابوسعید خدری، ابوذر و زبیر)

۱۹_ هر که از من جدا شود، باید بداند که از خدا جدا گشته، و هر که از تو، ای علی، جدا شود، باید بداند که از من جدا گشته است.

«من فارقتی فقد فارق الله، و من فارقک یا علی فقد فارقتی.»

(از ابوذر و عبدالله بن عمر)

۲۰_ ای علی آن کس که تو را دوست دارد، مرا دوست داشته، و آن که تو را دشمن دارد، مرا دشمن داشته است.

«یا علیّ من أحبک فقد أحبني، و من ابغضک فقد ابغضنی.»

(از ابوذر غفاری)

۲۱_ فرزند آدم در روز قیامت، قدم از قدم بر نمی دارد، تا درباره چهار چیز از او بازخواست شود:

۱_ از عمرش؛ با آن چه کرد؟

۲_ از مالش؛ آن را از کجا آورد؟

۳_ مالش را در چه صرف کرد؟

۴_ و از محبت ما، اهل بیت

«لا تزول قدما ابن آدم يوم القيامة، حتى يسأل عن اربع: عن عمره، ما عمل به، و عن ماله مما اكتسبه، و فيما انفقه و عن حبا اهل البيت.»

(از ابوذر و ابوبرزه)

۲۲_ هان ای مردم، هرکس علی را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هرکه مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته است. هرکه علی را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته، و هرکه مرا دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است.

«أيها الناس! من أحبّ علياً فقد أحبّ الله و من أبغض علياً، فقد أبغضني، و من أبغضني فقد أبغض الله.»

(از انس بن مالک)

۲۳_ هرکس، اینان (علی، فاطمه، حسن و حسین :) را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هرکه دشمنشان بدارد، مرا دشمن داشته است.

«من أحبّ هؤلاء فقد أحبّني، و من أبغضهم فقد أبغضني _ یعنی علياً و فاطمه و الحسنين.»

(از زید بن ارقم)

ص: ۱۷

۲۴_ من (برای بعد از مرگم) در بین شما، دو چیز بزرگ (گران) باقی می گذارم، یکی کتاب خدا و یکی عترتم _ اهل بیتم _ این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض (کوثر) بر من وارد شوند.

«إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي، لن يفترقا حتى يردا علي الحوض.»

(از عده ای زیاد)

۲۵_ من به تحقیق، در میان شما، چیزهایی را باقی گذاشتم که اگر به آنها تمسک جوئید، هرگز گمراه نمی شوید. آن ها: «کتاب خدا» و «عترت من» (اهل بیت من) هستند.

«إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي.»

(از جابر بن عبدالله انصاری)

۲۶_ (ای علی!) تو را جز صاحبان ایمان دوست نمی دارند، و جز مردم منافق، دشمن تو نیستند.

«لا يحبك إلا مؤمن، و لا يبغضك إلا منافق _ قاله لعلی.»

(از علی علیه السلام)

۲۷_ آگاه باشید! که علی بن ابی طالب، از خویشاوندان من است، هر کسی او را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هر که دشمنش بدارد، مرا دشمن داشته است.

«ألا! إن عليّين ابيطالب من نسي، من أحبّه فقد أحبّني، و من أبغضه فقد أبغضني.»

(از عبدالله بن عمر)

۲۸_ آخرین چیزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن سخن گفت این بود که فرمود: بعد از من، با اهل بیتم خوشرفتاری کنید.

«آخر ما تكلم به رسول الله صلی الله علیه و آله اخلفوني في أهل بيتي.»

(از عمر بن خطاب، عبدالله بن عمر)

۲۹_ من، کسانی را که به رسالتم ایمان آورده و آن را تصدیق کرده اند، وصیت می کنم به ولایت علی بن ابی طالب. هر که او را، ولیّ خود بداند، مرا ولیّ خود دانسته، و هر که مرا ولیّ خود بداند، خدای عزّوجلّ را ولیّ خود دانسته است. هر که او را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هر که مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته است.

«اوصی من آمن بی و صدقنی بولایه علیین ابیطالب، من تولاه فقد تولانی، و من تولانی فقد تولی الله عزوجل، و من أحبه فقد أحبني، و من أحبني فقد أحب الله.»

(از عمّار یاسر)

۳۰_ به راستی علی، پرچم هدایت و پیشوای دوستداران من است. او، نور فرمانبران من، و آن کلمه ای است که، پارسایان ملازم آنند (و بی نیاز از آن نیستند)، هر که به او محبت کند، به من محبت کرده، و هر که با او دشمنی کند، با من دشمنی کرده است.

«انّ علیاً رایه الهدی، و امام اولیائی، و نور من اطاعنی، و هو الکلمه التي الزمتها المتقين، من أحبه، أحبني، و من أبغضه، أبغضني.»

(از ابو برزه الاسلمی)

۳۱_ حسین از من، و من از حسینم. خدا دوست می دارد آن کس را که دوستدار حسین باشد.

ص: ۱۸

«حسین منی و أنا من حسین، أحبّ الله من أحبّ حسیناً.»

(از یعلی بن مرّه)

۳۲_ هر که بخواهد به من توسل جوید (و راه پیدا کند) و بخواهد به من احسانی کند که من به تلافی احسانش، در روز قیامت، شفاعتش کنم، باید با اهل بیت من پیوند دوستی برقرار کند، و ایشان را مسرور سازد.

«من اراد التوسل الیّ، و أن یکون له عندی یدا شفیع له بها یوم القیامه، فلیصل أهل بیته، و یدخل السرور علیهم.»

(از محمد بن علی)

۳۳_ هیچ مردی ایمان ندارد تا اینکه به نشانه دوستی من، اهل بیت مرا، دوست بدارد.

«لا یؤمن رجل حتّی یحبّ أهل بیته بحبّی.»

وقتی عمر، این کلام را شنید عرض کرد: «علامت دوستی با اهل بیت چیست؟».

فرمود: «دوستی با این مرد». (و در این حال، دست بر _ علی _ زد).

(از سلمان فارسی)

۳۴_ (ای علی!)، دوستدار تو، دوستدار من است، و دشمن تو، دشمن من است، و دشمن من، دشمن خدا است.

«محبّک محبّی، و مبغضک مبغضی، و مبغضی مبغض الله _ قاله لعلی.»

(از سلمان)

۳۵_ «آل محمّد» را به منزله سر، نسبت به بدن و به منزله دو چشم، نسبت به سر، بدانید. چون، جسد، بدون سر هدایت نمی شود، و سر بدون دو چشم، راه به جایی نمی برد.

«انزلوا «آل محمّد» منزله الرأس من الجسد، و بمنزله العینین من الرأس؛ فإنّ الجسد لا یهدی إلّا بالرأس و إنّ الرأس لا یهدی إلّا بالعینین.»

(از سلمان)

۳۶_ سوگند به آن خدایی که جانم در دست او است، ایمان، داخل قلب کسی نمی شود، تا آن که عترت مرا برای خاطر خدا و به خاطر قرابتی که با من دارند، دوست بدارد.

«والذی نفسی بیده لا یدخل قلب امری الا یمان حتی یحبهم الله و لقرابتی.»

(از عباس بن عبدالمطلب)

۳۷_ هان ای مردم! شما را وصیت می کنم به دوستی «ذوالقرنین» این امت، که او، برادر و پسر عمویم علی بن ابی طالب است، زیرا او را جز مردم با ایمان دوست نمی دارند، و جز منافق با او دشمن نیست. هر که او را دوست دارد، مرا دوست داشته، و هر که او را دشمن دارد، مرا دشمن داشته است.

«یا ایها الناس! اوصیکم بحبّ ذیقرنیها: أخی و ابن عمی علیین ابیطالب، فأنه لا یحبّه الا المؤمن، و لا یبغضه الا منافق، من أحبّه فقد أحبّنی، و من أبغضه فقد أبغضنی.»

(از عبدالله بن حنطب)

۳۸_ چگونه فکر می کنند مردمی که مرا در خصوص اهل بیت، آزار می دهند؟ سوگند به خدایی که جانم به دست او است، هیچ بنده ای ایمان

ص: ۱۹

ندارد، مگر وقتی که مرا دوست بدارد، و مرا دوست ندارد؛ مگر وقتی که در راه خوشنودی من، خویشانم را هم دوست بدارد.

«ما بال رجال يؤذونی فی اهل بیتی؟ والذی نفسی بیده لا یؤمن عبد حتّی یحبّنی، و لا یُحبّنی حتّی یحبّ فی ذوی.»

(از ابن عباس. ابوسعید خدری. دره بنت ابی لهب) (۱)

در این باب، احادیث کثیری موجود است که اطلاعات ما را _ نسبت به اهمّیت «حبّ اهل بیت طاهرین» در اسلام _ زیاد می کند، و آن را از ضروریات دین، محسوب می دارد، و از جمله واجبات عقلی و در ردیف محبت رسول الله صلی الله علیه و آله می شمارد. به طور طبیعی بر اساس آن ضرورت گفته شده، محدود کردن آن محبت به یک حدّ معینی که مسلمان، از آن حد، تجاوز نکند، امری غیر معقول، و دور از منطق صحیح است؛ زیرا گفتیم، محبت به رهبران آسمانی دین اسلام، در اصل و در حد و اندازه و مرتبه اش، تابع علم به حدود و اندازه انگیزه ها و موجبات و عوامل آن در اهل بیت علیهم السلام است؛ تابع این است که ما به ارزش آن موجبات، احاطه پیدا کنیم.

سؤال اساسی و مهم این است که کجا، چنین احاطه ای برای ما دست می دهد؟ کجا می توانیم فضایل این خاندان را از جمیع جهات، برشمرده و به آن احاطه یابیم؟ حال آن که، مردم نسبت به آن ها یکسان نیستند. آگاه شدن از عمق همه آن ها خارج از حدّ امکان است و ما به هیچ وجه و هیچ وقت به آن راه پیدا نمی کنیم. هرگز علم هر صاحب علمی _ هر چند علم او زیاد باشد _ به نهایت آن نمی رسد، بلکه هر انسانی، هر چه هم بصیر و دانا فرض شود، از درک و احاطه به همه آن ها عاجز است. (۲)

انگیزه هایی برای محبت و رزی به اهل بیت علیهم السلام

اشاره

در این بخش به نمونه هایی از دلایل که انگیزه هایی قوی در جلب و جذب افراد به خاندان عصمت و آل طاهر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است اشاره می کنیم. فضیلت ها، تأکیدهای آیات و روایات متواتر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله دلایلی روشن است که پاسخ انسان چیزی جز محبت به این خاندان نمی تواند باشد.

انتساب به رسول رحمت

۱_ انتسابی که این خاندان، به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، از حیث نسب و سبب دارند، با در نظر داشتن اینکه آن جناب، بزرگترین و محبوب ترین خلق خدا، از اولین و آخرین است، شرافت اهل بیت علیهم السلام و ضرورت محبت به آنان را آشکار می سازد. حدیث ذیل، از طرق صحیح و متواتر، از حضرتش نقل شده است که فرمود:

-
- ۱- این احادیث را با سندها و طرقش، در مسانید کتاب جامع و تفصیلی الغدیر نقل کرده و همه را تصحیح کرده ایم. به علاوه، ترجمه و شرح حال رجال آنها را در مسندهریک از صحابی که اسمش در آن کتاب، به میان آمده، ایراد نموده ایم.
 - ۲- نباید از نظر دور داشت که محبت و رزی به رسول صلی الله علیه و آله برآمده از امر و بیانا لاهی و ابراز محبت به خاندان عصمت اهل بیت علیهم السلام برگرفته از سخن صادق پیام آورحق و راستی، حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله است که برخی آثار آن در نیت و خود عملنهیفته و گروهی دیگر در روایات تضمین شده است. (ویراستار)

«کل سبب و نسب منقطع یوم القیامه الا سببی و نسبی.»

و مسلم است که هر ملت و مسلکی، برای نزدیکان و منسوبین پادشاه و سلاطین و زعمای خود، احترام قائلند.

حَبّ خدا و رسول

۲_ خدا و رسول، ایشان را دوست دارند، و ایشان، محبوب ترین خلق، در نظر خدا و رسولند، چنان که، در حدیث «رایت» و حدیث «طیر» و در مواضع دیگر، وارد شده است.

مشمول دعای رسول شدن

۳_ انتفاع مردم با ایمان، از _ دعاء رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره کسانی که آنان را دوست دارند.

به متن روایت زیر در خصوص حضرت علی علیه السلام توجه نمایید :

«بار الها! ولی آن کس باش که او را ولی خود گردانند، و یاری کن آن کس را که یاریش کند، و کمک کن به آن کس که وی را کمک کند، و دوست دار آن کس باش که وی را دوست بدارد.»

«اللهم وال من والاه، و انصر من نصره، و أعن من أعانه و احب من أحبه.»

عبارات بسیار دیگری مانند این، در اخبار وارد شده است.

پاداش رسالت

۴_ به نصّ قرآن کریم _ که مسلمین همواره بر آن اجماع دارند _ دوستی ایشان، پاداش رسالت نبوی است: «بگو، در مقابل تبلیغ رسالت، جز محبت اهل بیت، از شما پاداشی نمی خواهم.» (۱)

سوال قیامت

۵_ دوستی ایشان در روز قیامت، قدم به قدم مورد پرسش قرار می گیرد، هم چنان که در ذیل آیه «وقفوهم انهم مسئولون» (۲) ، از طریق

«ابوسعید خدری» وارد شده که، موضوع سؤال، ولایت علی علیه السلام ، است.

مفسر کبیر، «واحدی» گفته است:

«در ذیل آیه: _ وقفوهم انهم مسئولون _ روایت شده که مقصود، سؤال از ولایت علی و اهل بیت است، چون خداوند، رسول گرامی خود صلی الله علیه و آله را مأمور کرد، تا اعلام کند که او در برابر تبلیغ رسالت، از ایشان، پاداشی جز دوستی اهل

بیت، مطالبه نمی کند. پس معنای آیه این است که: از ایشان پرسیده می شود، آیا اهل بیت پیغمبر را دوست داشتید؟ و حق ولایتشان را آن طور که پیامبر صلی الله علیه و آله وصیت کرده بود، به جا آوردید؟ یا آن را ضایع گذارده و بی اعتنائیش کردید؟ اگر ضایع کرده باشند مورد مؤاخذة و عقاب قرار خواهند گرفت...»

حافظ «ابن حجر» در «صواعق» صفحه ۸۹، روایت «ابوسعید خدری» را ذکر کرده، و سپس کلام «واحدی» را نقل نموده و خود چنین گفته است:

ص: ۲۱

۱- «قل لا اسألکم علیه اجراً الا الموده فی القربی.» سوره شوری، آیه ۲۳.

۲- و نگاهشان دارید که بازخواست شوند. سوره صافات، آیه ۲۴.

«مقصود _ واحدی _ از جمله: «آن طور که پیامبر صلی الله علیه و آله وصیت کرده» روایاتی است که در این باب، وارد شده، و این روایات، بسیار است.»

این حدیث مرفوع، و گفتار «واحدی» را، جمعی از مؤلفین بزرگ، نقل کرده و عده ای از ایشان، بعد از نقل آن دو بیان، جمله زیر را _ که به طور صحیح و متواتر در ذیل حدیث ثقلین وارد شده _ استشهد نمودند:

«خداوند، از شما بازخواست خواهد کرد، که بعد از من، با کتاب او و اهل بیت من چه معامله کردید؟»

«و الله سألکم، کیف خلّفتُمونی فی کتابه و اهل بیته؟»

«ابوالمظفر سبط» در کتاب «تذکره» صفحه ۱۰ می گوید:

«مجاهد در ذیل آیه: «وقفوهم...» گفته است؛ موضوع سؤال، از محبت علی صلی الله علیه و آله است.»

سید آلوسی در تفسیرش (۱) در ذیل این آیه شریفه، اقوالی نقل

کرده و سپس گفته است: «در بین این اقوال، بهتر و سزاوارتر این است که سؤال از عقاید و اعمال باشد، که در رأس آن ها کلمه «لا اله الا الله» و از بزرگترین آن ها، ولایت علی، کرم الله وجهه است...»

«جمال الدین زرنندی حنفی» در صفحه ۱۰۹ از کتاب «نظم الدرر» (۲) گفتار «ابوالحسن واحدی» را تا به آخر نقل کرده، سپس گفته

است:

«هیچ یک از مجتهدین و پیشوایان حدیث، زندگی نکرده؛ مگر اینکه بهره وافر و افتخاری درخشان نسبت به ولایت اهل بیت داشته است، هم چنان که خداوند عزوجل، بدان امر کرده و فرموده: قل لا اسألکم علیه اجرا الا الموده فی القربی و همه را می بینی که بر این خاندان، اعتماد نموده و به ولایتشان، تمسک جسته و خود را به ایشان، منسوب می کنند.»

آنگاه، پایه های محبت هریک از بزرگان علم و حدیث را نسبت به اهل بیت و کلماتی که در خصوص محبت و ولایت اهل بیت داشته اند، نقل می کند.

عدل قرآن

۶_ خاندان رسالت، همسنگ قرآن کریم هستند، چنان که حدیث ثقلین، که مورد اتفاق است، می گوید:

«قرآن و عترت، حتی برای «یک لحظه» از یکدیگر جدا نمی شوند، تا در کنار حوض کوثر، بر رسول الله صلی الله علیه و آله در آیند.»

پس ایشان، پیشوایان هدایتند، و مثلشان _ در نجات دادن بشر، از وادی گمراهی و سرگردانی و نادانی، به سوی زندگی سعادت‌مند _ مثل قرآن کریم است.

میزان ایمان

۷_ دوستی ایشان «محک» ایمان است، هم چنان که در حدیث صحیح و ثابت، فرمود:

ص: ۲۲

۱- تفسیر آلوسی _ جلد ۲۳ _ صفحه ۸۰.

۲- نسخه ای خطی از کتاب به خط مؤلف در نزد ما است.

«ای علی، تو را جز مؤمن، دوست نمی دارد، و جز منافق، دشمن تو نیست.»

«لَا يَحِبُّكَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ، وَلَا يَبْغُضُكَ إِلَّا الْمُنَافِقُ.»

و همچنین احادیث صحیح و حسن دیگری که مفادشان این مطلب می باشد وارد شده است. این همان ولایتی است که صدهزار یا بیشتر، از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را به آن تهنیت و تبریک گفتند، روزی که «عمر» در تهنیتش گفت:

«به به! ای پسر ابوطالب، مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن شدی.»

«بخ بخ یابن ابیطالب! أصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه.»

و این همان ولایتی است که در روایت حافظان بزرگ اهل سنت نظیر _ دارقطنی، ابن سمان، محب طبری و دیگران _ آمده، که دو نفر عرب بادیه نشین به دعوا و جدل، نزد عمر آمدند. عمر به علی علیه السلام گفت:

«ای ابوالحسن، میان این دو داوری کن.»

علی علیه السلام بین آن دو حکم کرد، یکی از آنان از سر ناراحتی به کنایه گفت:

«آیا این، بین ما حکم می کند؟!»

عمر، از جای پرید و گریبان او را گرفت و گفت:

«وای بر تو! نمی دانی این کیست! این مولای من و مولای هر مؤمنی است، و هر کس که این مرد مولایش نباشد، مؤمن نیست.»

بعثت انبیاء بر ولایت وصی خاتم الانبیاء

۸_ اطلاق و عمومیت ولایتشان، که بدون استثناء شامل همه مردم می شود، در حالی که بین آن مردم، اولیاء، علماء، صدیقین، شهداء، پیشوایان و صالحان می باشند.

روایتی که «حاکم نیشابوری» در کتاب «المعرفه» به سند خود، از طریق «عبدالله ابن مسعود» نقل کرده ما را از اهمیت و عظمت امر ولایت آگاه می سازد.

«ابن مسعود» گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای عبدالله، فرشته ای نزد من آمد و گفت: یا محمد! از انبیائی که قبل از تو فرستادیم، بپرس، برای چه چیز مبعوث شدند؟» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«از خود فرشته پرسیدم، برای چه چیز مبعوث شدند؟»

گفت: «به ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب.»

حافظ «ابونعیم اصفهانی» با ذکر سند خودش، عبارت زیر را از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است:

ص: ۲۳

۱- و اسأل من أرسلنا من قبلك من رسلنا. سوره زخرف، آیه ۴۵.

«وقتی مرا به آسمان، بالا بردند، با جبرئیل عبورم به آسمان چهارم افتاد. در آن جا خانه ای از یاقوت سرخ دیدم. جبرئیل گفت: _ این بیت المعمور است، برخیز ای محمد! و خدا را نماز بگزار.

_ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند، همه انبیاء را جمع کرد و آن ها دنبال من، صف نماز بستند، و من، امام جماعت شدم. بعد از آن که سلام نماز را دادم، شخصی از ناحیه پروردگار آمد و گفت:

ای محمد! پروردگارت سلام می رساند و می فرماید: از پیغمبران، پیرس که قبل از تو، بر چه مبعوث بودند؟

گفتم: ای گروه رسولان! پروردگارم شما را قبل از من بر چه چیز مبعوث کرد؟

گفتند: بر نبوت تو و ولایت علی بن ابی طالب.»

و این ولایت، همانطور که تمامی امت اسلام را _ بدون استثناء _ شامل می شود، همچنین، تمامی احوال و همه شئون مردم را نیز شامل است. بدون اینکه حالی از احوال یک انسان، از آن مستثنی گردد، و یا شأنی از شئون از این حکم قطعی و عمومی بیرون باشد با اینکه به طور طبیعی اختلاف احوال و ساعات و شئون، از نظر اختلاف عوامل محبت و بغض، بسیار است _ با این حال همه این عوامل، در مقابل این ولایت، لغو و غیر قابل اعتناء است.

سر لوحه عمل مؤمن

۹_ دوستی اهل بیت علیهم السلام ، سر لوحه عمل مؤمن است،(۱) چنان که

«حافظ ابوبکر بغدادی» در «تاریخ بغداد» این مطلب را در حدیث مرفوع، آورده است.

کشتی نجات

۱۰_ اهل بیت علیهم السلام ، کشتی نجات امت اند، چنان که در حدیث سفینه _ که حدیث صحیح و ثابتی است _ آمده:

«مثل اهل بیت من در میان شما؛ مانند کشتی نوح است، که هر کس در آن داخل شد نجات یافت، و هر که تخلف ورزید، غرق گشت.»(۲)

استجاب دعا

۱۱_ مستجاب شدن درخواست دعا کنندگان _ از هر طبقه که باشد _ موقوف به صلوات بر اهل بیت علیهم السلام است، هم چنان که، در روایت صحیحی که «به طور مرفوع» نقل شده، آمده است:

«هیچ دعایی نیست مگر اینکه، میان آن و آسمان، پرده ای است. این پرده پاره نمی شود، و این دعا به آسمان نمی رود، تا آن که صاحبش بر _ رسول خدا و آل او _ صلوات بفرستد، که اگر چنین نکند دعایش بر می گردد.»(۳)

١- «عنوان صحيفه المؤمن، حبّ عليّين ابيطالب.»

٢- «مثل أهل بيتي فيكم، مثل سفينه نوح من ركبها نجا، و من تخلف عنها غرق.»

٣- «ما من دعاء أّلا و بينه و بين السماء حجاب حتّى يصلى على النبي و على آل محمّد، فاذا فعل ذلك انخرق ذلك الحجاب، و دخل الدعاء، و اذا لم يفعل ذلك رجع الدعاء.»

این روایت را «ابوعبدالله، حسین بن یحیی قطان بغدادی» _ که در سال ۳۳۴ قمری وفات یافته در جزوه ای از استادش «حسن بن عرفه بغدادی» که مردی صدوق و مورد وثوق است، روایت کرده و رجال سند آن، همه موثق اند. (۱)

و «ابومحمد، عبدالرحمن بن ابوشریح» (که در سال ۳۹۲ قمری وفات یافته) این حدیث را در کتابش «الاحادیث المائه» (۲) از استاد

موثق خود، ابوعلی اسماعیل وراق بغدادی (متوفی ۳۲۳)، روایت کرده است.

«ابوالحسن، علی بن غنایم خرقی مالکی» نیز آن را در جزء اول از کتاب «فوائد» خود روایت کرده است و جمعی از مؤلفین نامی، در تألیفات خود، آن را روایت کرده و به آن تکیه نموده و استدلال کرده اند.

همسنگی با رسول خدا

۱۲_ صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله مطلقاً مشروط است به اینکه توأم با صلوات بر آل او بوده باشد، و نباید، در هیچ حالی، بین او و آلش در صلوات جدائی افتد. چه در تشهد نمازهای واجب، و چه در موارد دیگری که صلوات مستحب است.

در کتب صحاح، و مسانید و سنن، از طریق «کعب بن عجره» و دیگران (۳) به طریق صحیح، وارد شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونگی

صلوات بر او را، به صحابه یاد می داد. در همه این احادیث آمده که آن جناب، ذکر آل را با ذکر خودش در صلوات توأم کرد. شایان ذکر است که کمتر حکمی از احکام اسلام هست که درباره آن، مانند حکم صلوات بر محمد و آل او حدیث وارد شده باشد. برخی از دانشمندان روایات راجع به صلوات، و آن چه درباره الفاظ و کیفیت آن وارد شده، را جمع آوری نموده اند که بیش از پنجاه لفظ است. در چهل و شش حدیث آن، صلوات بر آل توأم با صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله ذکر شده است.

علاوه بر اینکه آن حضرت، از صلوات «بتراء» (۴) _ یعنی بدون ذکر

آل _ نهی کرده و فرموده:

«بر من، با (صلوات بتراء)، درود نفرستید.»

ص: ۲۵

۱- نسخه ای از این جزوه نزد ما موجود است.

۲- نسخه ای از این کتاب نزد ما موجود است.

۳- نظیر: امیرالمؤمنین، ابومسعود انصاری، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ابوهریره، طلحه بن عبیدالله، زید بن خارجه،

عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله، زید بن ثابت، ابوحمید ساعدی و عبدالله بن عمرو.
۴- بتراء به معنی کوتاه شده است.

گفتند: «صلوات بتراء، کدام است.»

فرمود: «اینکه بگوئید؛ اللهم صل علی محمد و (از ذکر آل) امساک کنید، بلکه باید بگوئید: اللهم صل علی محمد و آل محمد.»

با این حال، آن چه در میان مردم، معمول شده بدعت نکوهیده و زشتی است که در نمازها و خطبه ها و کتاب هایشان «صلوات بتراء» می فرستند و در مواردی که صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله مستحب است، و جمعاً بیش از پنجاه مورد می شود، دائماً می گویند: «صلی الله علیه و سلم.» این کار با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و دستور صریح او و تعلیمی که به اصحابش کرده مخالف است. آری ایشان صلی الله علیه و آله در این باره مبالغه نمود و امت را برانگیخت و تشویق کرد که این مطلب را سنت خود قرار دهند و او کلام باطل و بیهوده فرمود؛ چرا که خدایش فرمود: «او، از روی هوی، حرف نمی زند، گفتارش همه وحی خداوند است و موجود شدیدالقوی تعلیمش می کند.»^(۱)

روشن است که کسی که از او پیروی کند هدایت یابد و هر که از دستورش سرپیچد هلاک گردد.

امر عجیبی که انسان را آزار می دهد، اصراری است که این گروه از مردم بر مخالفت رسول خدا صلی الله علیه و آله از خود نشان می دهند و ترک سنت ثابت و مؤکد آن جناب را عادت و سنت دیرینه خود قرار می دهند، و اصرار بر «صلوات بتراء» را _ که بدعت است _ سنت جاریه قرار می دهند. طبیعی است که این رفتار، پیامبر اعظم ما را آزرده خاطر سازد.

معیار قبولی طاعات

۱۳_ محبت اهل بیت و ولای ایشان، شرط عمومی قبول همه اعمال و طاعات و مستحبات است (از نماز، روزه، حج و زکوه...)، هم چنان که در دسته ای از احادیث، بر آن تصریح شده است.^(۲)

ثنا الاهی

۱۴_ مدح و ثنائی است که خدای تعالی، در کتاب خود، و رسول خدا صلی الله علیه و آله در سنت، از اهل بیت، نموده اند. مدحی که مخصوص ایشان است، و هیچ انسانی را آن طور، ثنا نگفته اند؛ و فضایل و مناقبی درباره همگی و یک یک آنان روایت گردیده که باید به هزارها شمرده شود. به طوری که از ابن عباس، نقل شده، نزدیک به «سی هزار» روایت است.

قداست و شرافت

۱۵_ بخشی از انگیزه های محبتی در ذات این خاندان است از قبیل: طهارت مولد، قداست اصل، شرافت حسب و نسب، و آن امتیازهایی که در علم و حکمت و اخلاق برجسته، و زهد و ورع و تقوی دارند، و نیز آن ملکات

۱- سوره نجم، آیه ۳ تا ۵ «لا ینطق عن الهوی، ان هو الاّ وحی یوحی، علّمه شدید القوی»

۲- بحث در این باره و ذکر احادیث مربوطه در جلد دوم کتاب الغدیر، صفحه ۳۰۵_ ۳۰۱ چاپ دوم به تفصیل بیان شده است.

کریمه، نفسیات فاضله و فضایل و فواضلی (۱) که از حیثه شمارش بیرون است و مزایا و کمالات انسانی

آن ها : که کسی اندازه آن را نمی داند.

همچنین انگیزه ها و موجبات دوستی دیگری قابل ذکر است که هر کدام آن ها به تنهایی عامل نیرومندی است در این که، دل ها، دوستی ایشان را تا اعماق خود، راه داده و همه نفس ها و وجدان ها متوجه ایشان : گردد.

امان اهل زمین و آسمان

۱۶_ همچنین بالاتر و مهمتر از همه، این است که اهل بیت علیهم السلام برای اهل زمین، امان از اختلاف و فرا رسیدن عذابند. آری، تمامی انسانها، و همه طبقات بشر، در زیر سایه امن و امان این خاندان زندگی می کنند. همه رهین منت وجود آنان و برکات حیات ایشانند. به وسیله آنان زمین و آسمان، ثابت و برجا مانده و به برکت ایشان خلائق روزی می خورند. آن زمانی که زمین از ایشان خالی شود، به تلاطم و تزلزل درآمده، اهلس را فرو می برد و روز موعود، بر اهل زمین فرا رسد.

نقش حجت ها و خلفای الهی در هستی

در این جا و به عنوان حسن ختام بحث، جا دارد تا با استناد به احادیث شریف نبوی، دانش و معرفتی بسیار ژرف تر نسبت به وجود مقدس حجج الهی، به ویژه خاندان عصمت نبوی : را بر خواننده محترم عرضه بداریم که نتیجه آشنایی با این شکوه و عظمت، چیزی جز ایجاد خضوع و محبت و مهرورزی به آن بزرگواران و اطاعت از آنان نیست.

گروهی از حافظین حدیث شامل: مسدد، ابن ابی شیبیه، ابواحمد فرضی، ابوعمرو بن عروه، ابویعلی موصلی، ابوالقاسم طبرانی، حکیم ترمذی، محب طبری، ابن عساکر و عده ای دیگر، از طریق «سلمه بن اکوع» از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

«ستارگان، امان اهل آسمانند، و اهل بیت من، امان امت منند.» (۲)

«عزیزی» در کتاب «السراج» (جلد ۳، صفحه ۴۱۶) _ آن جا که این روایت را شرح می دهد _ گفته است:

«مقصود آن حضرت از اهل بیت، علمای اهل بیت است. احتمال هم دارد، مقصود، مطلق اهل بیت باشد. برای این که، وقتی خدای تعالی، دنیا را به خاطر آن حضرت صلی الله علیه و آله، آفریده باشد، قهراً بقای دنیا را هم به دوام اهل بیت او، موقوف کرده است.

«حفنی» در این باره گفته: «مقصود از _ اهل بیت من _ «ذریه من» است که به سبب وجود ایشان، بلا از امت (پیامبر صلی الله علیه و آله) برداشته می شود...»

احمد حنبلی، رهبر حنبلی ها نیز، به سند خود، از طریق «انس بن مالک» روایت کرده که آن حضرت فرمود:

-
- ۱- ملکات حسنه و صفات ممتاز، به اعتبار اینکه، در نفس شخص، وجود دارد «فضایل» نامیده می شود. و به اعتبار این که، به سایر موجودات، سرازیر می شود، «فواضل» گفته می شود.
- ۲- «النجوم أمان لاهل السماء، و اهل بيتی أمان لامتی.»

«ستارگان، امان اهل آسمانند، و اهل بیت من، امان اهل زمینند. وقتی، اهل بیت من از زمین، رخت بر بندد، آن آیاتی که خداوند وعده داده، بر سر اهل زمین خواهد آمد.» (۱)

احمد حنبل سپس اضافه کرده است:

«خداوند زمین را به خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله، خلق کرده و بقای آن را به بقای اهل بیت و عترت او (:) قرار داده است. و نیز او از طریق علی علیه السلام از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

«ستارگان امانند برای اهل آسمان، و اهل بیت من امانند برای اهل زمین. وقتی اهل بیت من از زمین رخت بر بندد، اهل زمین هم نابود خواهند شد.» (۲)

«حاکم» از طریق «ابن عباس» روایت کرده که آن جناب فرمود:

«ستارگان، امانند برای اهل زمین، از غرق شدن، و اهل بیت من، امان امت من، از اختلافند.» (۳)

این روایت را «حاکم» صحیح دانسته، و جمعی آن را از وی اخذ کرده و تصحیح او را، تثبیت نموده اند.

«صبان» در کتاب «الاسعاف» بعد از ذکر این روایت، گفته است:

«احتمال دارد که آیه شریفه _ و ما کان الله ليعذبهم و انت فيهم (۴) _ نیز

به این معنی اشاره داشته باشد. (گرچه آیه شریفه، راجع به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است لکن) اهل بیت، برای در امان بودن مردم، قائم مقام آن حضرتند؛ زیرا طبق بعضی از احادیث، اهل بیت از او، و او از اهل بیت است.»

حافظ «ابن حجر» در کتاب «صواعق»، این آیه را از جمله آیاتی که در شأن اهل بیت نازل شده، آورده است. سپس اضافه می کند:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله، به وجود چنین معنایی در اهل بیتش اشاره کرده است. و آن ها امانند برای اهل زمین، کما اینکه آن حضرت صلی الله علیه و آله نیز امان است برای اهل زمین. و در این معنی، روایات بسیاری است ...»

«حاکم» از طریق «ابوموسی اشعری» از آن حضرت نقل کرده که فرمود:

«ستارگان، امان اهل آسمان، و اهل بیت من، امان اهل زمینند. وقتی ستارگان نابود شوند، اهل آسمان هم نابود می شوند، و

-
- ۱- «النجوم أمان لأهل السماء، و أهل بيتي، أمان لأهل الأرض، فإذا ذهب أهل بيتي جاء أهلالأرض من الآيات ما كانوا يوعدون.»
 - ۲- «النجوم أمان لأهل السماء، و أهل بيتي، أمان لأهل الأرض، فإذا ذهب أهل بيتي، ذهبأهل الأرض.»
 - ۳- «النجوم امان لاهل الأرض من الغرق و اهل بيتي، امان لامّتي من الاختلاف.»
 - ۴- سوره انفال، آیه ۳۳. «مادامی که تو در میان ایشان هستی، خداوند، عذابشان نخواهد کرد.»
 - ۵- «النجوم أمان لاهل السماء، و اهل بيتي أمان لاهل الأرض، فإذا ذهب النجوم، ذهب اهلالسما و اذا ذهب أهل بيتي، ذهب اهل الأرض.»

«شیخ الاسلام حموینی» از طریق «ابوسعید خدری» از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

«اهل بیت من امان برای اهل زمینند، هم چنان که ستارگان، امانند برای اهل آسمان.» (۱)

حافظ «ابن حجر» در «صواعق» _ آن جا که حدیث سفینه را نقل می کند _ می گوید:

«برخی از علما گفته اند: احتمال دارد، مراد از اهل بیت _ که امان امتند _ علمای اهل بیت باشند. زیرا، همان ها هستند که چون ستارگان، مشعل هدایتند. و آن هایند که وقتی از میان بروند، آن چه به اهل زمین، وعده شده، خواهد آمد. و این، در زمان مهدی (موعود) است که در احادیثش خواهد آمد، که عیسی دنبالش به نماز می ایستد، و دجال، در عصر او کشته می شود، و بعداً آیات، یکی پس از دیگری نازل می شود.»

تا آن جا که می گوید:

«احتمال هم دارد _ و نزد من این احتمال قوی تر است _ مراد از (اهل بیت)، عموم اهل بیت باشد. برای اینکه وقتی خداوند، دنیا را تماماً به خاطر رسول الله صلی الله علیه و آله آفرید، دوامش را به دوام او و دوام اهل بیت او قرار داد. چون اهل بیت علیهم السلام با او _ در اموری که قبلاً بعضی از آن ها را از «رازی» نقل کردیم _ برابرند.»

نیز به دلیل اینکه خود آن حضرت، در حق اهل بیتش فرمود:

«بارالها! ایشان، از من و من از ایشانم.» (۲)

و نیز به دلیل اینکه ایشان پاره تن اویند، برای اینکه «فاطمه» _ مادرشان _ پاره تن او بود. بنابراین، ایشان _ در موضوع امان بودن _ قائم مقام او هستند...

شاید گفتار امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اشاره به همین معنی باشد که می فرماید:

«أنا صنائع ربنا و الناس بعد صنائع لنا.»

«ابن ابی الحدید» در شرح خود بر «نهج البلاغه» _ جلد ۳، صفحه ۴۵۱ _ گفته است:

«این بیان کلام بزرگی است، عالی تر از هر سخن، و معنایش ژرف تر از افق هر معنا است. (با در نظر داشتن این که) «صنیعه پادشاه» آن کسی است که پادشاه او را به خود اختصاص داده و قدر و منزلتش را بلند کرده، (معنایش این است که): احدی از بشر، حقی و نعمتی به گردن ما ندارد، بلکه خدای تعالی است که نعمت ها را به ما ارزانی داشته، پس بین ما و خدا هیچ واسطه ای نیست، و مردم همگی دست پرورده ما و ریزه خوار نعمت مایند و ما واسطه بین آنان و خدائیم. این جایگاه، مقام جلیلی است که ظاهرش همان بود که شنیدی؛ اما باطنش این است که آن حضرات:، بندگان خدا هستند، و مردم همه بندگان ایشانند (و در مقابل آن ها از خود اختیاری ندارند).»

چه بسا این معنی، از گفتاری که عمر بن خطاب، به سبط پیامبر _ حسین علیه السلام _ گفت استفاده می شود: «آیا کسی

ص: ۲۹

۱- «أهل بيتي أمان لأهل الارض، كما ان النجوم أمان لأهل السماء.»

۲- «اللهم انهم متي، وانا منهم.»

غیر شما مو بر سر می رویاند؟»

در نقلی که «دارقطنی» آورده، چنین دارد:

«آیا بعد از خدا، کسی جز شما، مو، در سر رویاند؟»

و بنا بر حدیث «ابن سعد»، وی چنین گفته است:

«کسی جز شما مو را بر سر رویاند؟»

به نقلی دیگر، چنین آمده: «جز این نیست! این مو که بر سر ما می بینی، خدا، و سپس شما، رویانده اید.»^(۱)

سخن در این است که اگر برای اهل بیت، خصوصیت دیگری جز این معنی نبود، همین کافی بود که انگیزه و داعی محبت نسبت به آن ها باشد. این خصوصیت به تنهایی، بر هر چیزی که محبت انسان را به خود جلب کند غلبه دارد؛ بر همه آثار و پدیده های حیات برتری دارد و با همین خصوصیت است که ولایت آن بزرگواران بر مؤمنین، مسلم گشته، حتی به نص قرآن، نسبت به آن ها اولی به تصرف از خودشانند.

همین خصوصیت است که ایشان را از جان و مال و زن و فرزند و پدر، محبوب تر کرده است. این خود، یکی از جوهی است که ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در قرآن کریم _ به وسیله کلمه حصر و انحصار _ تثبیت و بلند مرتبه و همسنگ ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده است، آن جا که می فرماید:

«تنها، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و رسول، و آن کسانی هستند که نماز می خوانند و زکوه می دهند، هنگامی که در رکوعند.»^(۲)

بزرگان و پیشوایان تفسیر و فقه و حدیث، همه اتفاق دارند که این آیه شریفه در حق علی علیه السلام نازل شده، هم چنان که تفصیل قضیه در ذیل این آیه در کتاب «الغدیر» (جلد ۳) ارائه شده است.

نتیجه سخن

ص: ۳۰

-
- ۱- این روایت را، ابن سعد، دارقطنی، ابن عساکر، حافظ گنجی و دیگران، نقل کرده اند و ابن حجر در «اصابه، ج ۲، ص ۱۵» درباره آن گفته است: «سندش صحیح است.»
 - ۲- سوره مائده، آیه ۵۵. (أَنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ).

با در نظر گرفتن همه این جهاتی که باعث دوست داشتن اهل بیت و ولای ایشان : است، ناگزیریم اقرار کنیم که محبت ما، نه تنها کمتر از آن مقداری است که آن عوامل اقتضا دارند، بلکه هزاران مرحله دورتر از حدود طبیعی مناسب آن قرار می گیرد؛ زیرا علم ما به درک و احاطه به ریشه و حقیقت آن جهات قادر نیست. علم ما به آن جهات و کمالات، مختصری بیش نیست. میان ما و شناسایی ریشه و بیان و نهایت آن چه هم که اطلاع داریم، هزارها فرسنگ فاصله است.

چگونه ممکن است ما _ با این همه ضعف و محدودیت ها _ بر حقیقت صفاتشان واقف شویم؟ آیا یک جاهل درس نخوانده می تواند علم و حقیقت آن را بشناسد؟ چگونه ممکن است تعلق علم را به گذشته، حال و آینده درک نماید؟ آیا ممکن است چنین کسی حقیقت تعلق علم را نسبت به عالم ماده و عوالم ملکوتی ادراک نماید؟

آیا این شخص می تواند به علم کسی که خدای متعال نزد او «علم الکتاب» و علوم جهان هستی را به امانت گذاشته است دست یابد؟

آن علمی که به «امّ الکتاب» و سرچشمه وحی، منتهی می گردد؟!

آن علمی که به «عین الیقین» _ به واقعیتی که هیچ گاه شک و وهم و گمان و خیال، به آن راه ندارد _ پایان می پذیرد؟

آیا چنین شخصی می تواند به علم کسی دست یابد که فرشتگان الهی، با الهامات قلبی و القائات سمعی، با وی سخن می گویند؟!

این افراد، همان خاندان رسالت : هستند که قرآن در حقشان فرمود :

«بر اعراف، مردانی هستند که هرکس را از سیمایش می شناسند.» (1)

این فاصله، نسبت و مقایسه علم ما با علم آل محمد است. نه تنها علم آل محمد با علم ما، این نسبت را دارد، بلکه ملکات و نفسیات و مقامات و کرامات ایشان نیز، همین نسبت را با ملکات و نفسیات ما دارد. ما تا کنون، در عالم به انسانی بر نخورده ایم، که خدای تعالی علم به همه این جهان را به او داده باشد. تنها ما نیستیم که به چنین کسی دست نیافته ایم؛ بلکه دنیا نیز چنین فردی را سراغ نداده است؛ کسی را که به همه موهبت های خدایی اهل بیت علیهم السلام واقف باشد، به عوامل محبت، و ریشه های ولایت و شئون خلافت و امامت احاطه داشته و بتواند ارزش و مقدار آن ها را ارزیابی کند.

خلاصه اینکه در سراسر گیتی کسی نیست که بتواند محبت اهل بیت را محدود ساخته، و به حد و اندازه آن برسد. بنابراین وقتی ما نتوانیم به یکایک این جهات که ذکر شد و ده ها جهت دیگر، احاطه و معرفت پیدا کنیم چگونه ادعا می کنیم که فلان مقدار از محبت _ که ناشی از آن جهات است _ غلو و بیرون از اندازه است؟

با در نظر گرفتن مطالب گذشته _ نسبت دادن غلو به شیعه در محبت ورزی به اهل بیت علیهم السلام ، حرفی پوچ و بی پایه

۱- (و علی الاعراف رجال یعرفون کلاً بسیماهم.) (سوره اعراف، آیه ۴۲) هر یک از این ها، در خلال مجلدات کتاب «الغدیر»، از طریق سنت ثابت، به طور کافی و مفصل، بیان گردیده است.

است. همان طور که قبل تر هم گفتیم، غلوّ به معنای «تجاوز از حدّ» است، و جز در اموری که حدّ و مقیاس آن ها معلوم است معنی ندارد. امّا، ما کجا می توانیم آن انگیزه های محبت را که در خاندان رسالت است، محدود کنیم؟ قل هلّم شهداء کم الذین یشهدون انّ الله حرّم هذا. (۱)

علاوه بر آن، درباره علم، اراده، قدرت، تصرف، رضا، غضب، حلم، عفو، رحمت، تفضّل، کرم، و فضائل دیگر اهل بیت، هر چه گفته شود، و هر قدر مدح کننده ایشان در بیان این اوصاف مبالغه کند، ممکن نیست آن اوصاف، از حدّ و امکان تجاوز نماید.

از سوی دیگر شیعه به زیبایی بین خدای تعالی و بندگان مقرب او _ اهل بیت علیهم السلام _ تفکیک اعتقادی زیبایی قائل می شود. بین صفات خدای تبارک و تعالی، و صفات مخلوق، به هیچ وجه شباهت و همانندی نیست و سنخیت میان آن دو، از اصل منتفی است. مقایسه بین صفات خداوند که برای آن نمی توانیم «چگونگی» و «ظرف مکانی» در نظر بگیریم، با صفات بندگان او که دارای کیفیت و ظرف مکان هستند، امکانپذیر نیست. صفات الاهی از اصالت و استقلال برخوردار است و صفات مخلوقات، تبعی و اکتسابی است. بنابراین با همه این فرق ها که شیعه بین صفات خدا و صفات مخلوق در نظر دارد، دیگر شرک و غلوّ، به هیچ وجه تصوّر نمی شود.

البته «غلوّ» می تواند به یکی از این دو راه تحقق پذیرد:

اول با اعتقاد به اینکه اهل بیت به چیزی متصفند که خداوند برای آنان قرار نداده است. مانند اعتقاد به اینکه خداوند امر عالم را به ایشان واگذار کرده و خود کنار رفته است؛ یا اعتقاد به الوهیت و خدایی ایشان.

دوم با اعتقاد به اینکه صفات ایشان، مقید به قیود و حدود امکانی نیست.

شیعه به هیچ یک از این دو دسته اندیشه باطل اعتقاد ندارد و به خدا پناه می برد از اینکه در زمره جاهلان باشد. تعالی الله عمّا یقول الظالمون علوّاً کبیراً. (۲)

این دایره، محدوده و آفاق محبت ما به اهل بیت عصمت و طهارت است، که مو به مو با سنّت رسول الله صلی الله علیه و آله مطابق است؛ و با عقل و منطق صحیح و علمی که دور از اوهام باشد موافق دارد.

-
- ۱- بگو، گواهان خود را حاضر کنید تا شهادت دهند که خداوند، این را حرام کرده‌است. سوره انعام، آیه ۱۵۰.
 - ۲- خداوند از آنچه ستمگران می گویند برتر است؛ برتری ای بزرگ. سوره اسراء، آیه: ۴۳ سبحانه و تعالی عمّا یقولون علوّاً کبیراً

خود را بیازماییم

۱- اگر نسبتی بین شیء و قلب برقرار شد، اگر قلب از شیء دوری کرد، تنها موجودی که قبل از هر چیز شایسته محبت است به ترتیب کدام می باشد :

الف - خدا، حبّ، بغض

ب - حبّ، بغض، خدا

ج - بغض، خدا، حبّ

د - بغض، حبّ، خدا

۲- کدام گزینه صحیح نیست؟

الف - موجودی که اصالتاً شایسته درستی است خداست.

ب - نسبت به خدا دوستی بسیار شدید غلوّ است.

ج - اگر کسی در دوستی غیرخدا را بر خدا مقدم دارد، از راه عقل منحرف شده است.

د - باید در علل و عواملی که سبب ازدیاد محبت به خدا می شوند تلاش کنیم.

۳- محبت امیرالمؤمنین نسبت به خداوند:

الف - دوسویه بود و ستودنی

ب - بیش از حدّ و غلوّ بود

ج - تنها از طرف او نسبت به خداوند بود

د - هیچکدام

۴- چرا مردم در دوستی نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله متفاوتند؟

الف - زیرا درجه معرفتشان نسبت به رسول اکرم یکسان نیست.

ب - برخی از مردم در گناه و شهوت غوطه ورنند، محبت آنها هم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله کمتر است.

ج - برخی از مردم هر آنچه انتساب به پیامبر دارد - مثل منبر شریف ایشان را - احترام می کنند و به زیارت می روند. محبت آنها به رسول اکرم بیشتر است.

د - هر سه مورد

۵ - کدام امر برای استقرار و دوام محبت ضروری است؟

الف - غوطه وری در گناه

ب - غفلت زدایی

ج - بی اعتنائی به مقام والای رسالت

د - بی توجهی به زیارت قبر آن حضرت

۶ - دوستی خدا و رسول صلی الله علیه و آله چه اثری دارد؟

الف - سبب رسیدن به حقیقت ایمان می شود.

ب - سبب چشیدن شیرینی ایمان می شود.

ص: ۳۳

ج - سبب می شود خیراتی مثل زیارت قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله را مقدم بدارد.

د - هر سه مورد

ص: ۳۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

